

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه فلسفه
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش : فلسفه غرب

عنوان :

**مطالعه تطبیقی برهان هستی شناختی (وجودی)
کانت و ملاصدرا درباره اثبات وجود خدا**

استاد راهنما:
دکتر صمد موحد

استاد مشاور :
دکتر عزیزالله افشار کرمانی

پژوهشگر :
زهرا کوثری

بهار ۱۳۹۰

تقدیم به :

تقدیم به ساحت مقدس امام زمان (عج) که همواره ناظر بر اعمال ماست.
و تقدیم به ولی نعمتان آقا علی ابن موسی الرضا(علیه السلام) که شروع و خاتمه ی نوشتارم با متوسل شدن به ایشان بود.

و مادرم که همواره در این مسیر مرا یاری نمود.
و همسر فداکار و صبورم که تمام تلاش خود را برای موفقیت من انجام داده است
و فرزندانم که وجود آنان نیروی مضاعف به من بخشیده است

سپاسگزاری

با حمد و سپاس فراوان به درگاه ایزدمتعال که توان یادگیری را به من عطا فرمود.

با درود و سلام بر نبی مکرم اسلام (صلی اله علیه و آله)

با درود و سلام به ائمه معصومین (علیهم السلام)

و باتشکر از راهنمایی های استاد محترم جناب آقای دکتر

موحد

و تشکر از مشاوره استاد محترم جناب آقای دکتر افشار

و تشکر از داوری استاد محترم خانم دکتر ثقفی

که در این راه مرا یاری نمودند.

بسمه تعالی

در تاریخ: ۱۳۹۰/۴/۱۹

دانشجوی کارشناسی ارشد سرکار خانم زهرا کوثری از پایان نامه

خود دفاع نموده و با نمره ۱۷- به حروف بیاض و با درجه بیاض مورد

تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- بیان مسئله
۲	۲-۱- هدف های تحقیق
۲	۳-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه ی انتخاب آن
۳	۴-۱- سئوالات و فرضیه های تحقیق
۳	۵-۱- مدل تحقیق
۴	۶-۱- واژه های کلیدی
۴	۷-۱- روش تحقیق
۴	۸-۱- قلمرو تحقیق
۴	۹-۱- جامعه و حجم نمونه
۴	۱۰-۱- محدودیت ها و مشکلات
	فصل دوم: تاریخچه برهان هستی شناسی
۶	۱-۲- مروری کوتاه بر تاریخچه ی برهان هستی شناسی
	۲-۲- اشکالات وارده شده بر برهان آنسلم
۹	۳-۲- اشکال گونیلون بر برهان هستی شناسی
۱۰	۴-۲- اشکال توماس آکوئینی بر برهان هستی شناختی
۱۱	۵-۲- تقریر دکارت از برهان هستی شناسی
	فصل سوم: فلسفه کانت
۱۵	۱-۳- زندگانی و آثار نقدی کانت
۱۸	۲-۳- طرح فلسفه ی نقدي
۱۸	۱-۲-۳- فلسفه نقد تحقیقی (نقد خرد ناب)
۱۹	۲-۲-۳- تقسیم بندی احکام در کانت
۲۰	۳-۲-۳- احکام ترکیبی پیشین
۲۱	۴-۲-۳- چگونگی امکان احکام ترکیبی پیشین
۲۲	۵-۲-۳- برترین تکلیف خرد ناب گشودن مشکل متافیزیک است
۲۳	۶-۲-۳- ریاضیات ناب (محض) چگونه ممکن است ؟
۲۵	۷-۲-۳- علوم طبیعی ناب چگونه ممکن است ؟
۲۵	۸-۲-۳- حس و فهم دو رکن مؤثر در شناسایی
۲۷	۳-۳- مکان و زمان
۲۷	۱-۳-۳- مکان و زمان به عنوان جزئیات پیشین
۲۹	۴-۳- دستگاه مفاهیم پیشین
۲۹	۱-۴-۳- منطق فرارونده و منطق صوري
۳۱	۲-۴-۳- آنالیتیک فرارونده
۳۲	۳-۴-۳- از صور منطقی احکام تا مقولات

۳۴	۵-۳: دستگاه مبادی ترکیبی پیشین
۳۴	۱-۵-۳ چگونگی اطلاق مقولات
۳۵	۲-۵-۳ عینیت
۳۸	۳-۵-۳ حس فرارونده و تحلیل فرارونده
۳۸	۴-۵-۳ پدیدار و ذات ناشناختی
۳۹	۵-۵-۳ آنالیتیک اصل ها
۴۲	۶-۳ پندار های مابعدالطبیعه
۴۲	۱-۶-۳ سرچشمه صور خرد محض و احکام مابعدالطبیعه مطلق
۴۳	۲-۶-۳ صفاتی برای قضاوت ها و اصل ها
۴۴	۳-۶-۳ مفهوم های آنسو رونده خرد ناب
۴۶	۷-۳ دیالکتیک فرارونده
۴۸	۱-۷-۳ مسئله نفس
۵۰	۲-۷-۳ تعارضات عقل نظری در مورد جهان
۵۳	۳-۷-۳ تعارضات عقل نظری در مورد وجود خداوند
۶۲	۸-۳ کاربرد تنظیمی ایده های خرد ناب
		فصل چهارم : فلسفه ملاصدرا
۶۷	۱-۴ شرح حال و زندگی صدرالدین شیرازی
۶۸	۱-۱-۴ برخی از آثار
۶۹	۲-۴ مسائل عامه وجود
۶۹	۱-۲-۴ تعریف و تقسیم و هدف
۶۹	۲-۲-۴ موضوع علم حکمت
۷۰	۳-۲-۴ وجود و احکام مربوط به آن
۷۱	۴-۲-۴ اتحاد وجود و ماهیت
۷۲	۳-۴ امتیاز و جدایی میان وجودات
۷۳	۱-۳-۴ وجود جوهر است یا عرض
۷۴	۲-۳-۴ اتصاف ماهیت به وجود
۷۵	۳-۳-۴ دیدگاه ملاصدرا در رابطه با اتصاف ماهیت به وجود
۷۵	۴-۴ اصالت وجود و اعتباریت ماهیت
۷۶	۱-۴-۴ مقصود از وجود در عنوان بحث
۷۶	۲-۴-۴ ماهیت و مفاهیم ماهوی
۷۷	۳-۴-۴ نظر ملاصدرا
۷۷	۴-۴-۴ ادله ی اصالت وجود
۸۲	۵-۴ وحدت تشکیکی حقیقت وجود
۸۲	۱-۵-۴ نظریه وحدت وجود
۸۳	۲-۵-۴ نظریه کثرت و تباین موجود
۸۳	۳-۵-۴ نظریه وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت

۸۵ ۴-۵-۴ انواع امتیاز
۸۶ ۵-۵-۴ بررسی نظریه حکماء مشاء و ملاصدرا
۸۶ ۶-۵-۴ کثرت طولی و کثرت عرضی وجود
۸۷ ۶-۴ وجود ذهنی
۸۷ ۱-۶-۴ اثبات وجود ذهنی و ظهور ظلی
۸۹ ۲-۶-۴ نظریه ملاصدرا
۹۲ ۷-۴ وجود رابط معلول
۹۲ ۱-۷-۴ وجود مستقل و وجود رابط
۹۲ ۲-۷-۴ مفهوم مستقل وجود و مفهوم رابطی وجود
۹۲ ۳-۷-۴ فرق میان مفاهیم اسمی و مفاهیم حرفی
۹۳ ۴-۷-۴ تفاوت میان مفهوم مستقل وجود و مفهوم رابطی وجود
۹۴ ۵-۷-۴ وجود مستقل
۹۴ ۶-۷-۴ وجود رابطی و وجود رابط
۹۵ ۸-۴ مواد سه گانه
۹۵ ۱-۸-۴ وجوب ، امکان ، امتناع
۹۶ ۲-۸-۴ اقسام مواد سه گانه
۹۶ ۳-۸-۴ موارد وجوب بالذات ، بالغير و بالقیاس
۹۷ ۴-۸-۴ موارد امتناع بالذات ، بالغير و بالقیاس
۹۷ ۵-۸-۴ موارد امکان بالذات و بالقیاس
۹۷ ۶-۸-۴ احکام وجود واجب
۱۰۶ ۷-۸-۴ احکام وجود امکانی
	فصل پنجم: تطبیق اجمالی آراء کانت و ملاصدرا
۱۰۹ ۱-۵ تطبیق اجمالی آرای کانت و ملاصدرا
۱۱۰ ۲-۵ وجود محمولی از دیدگاه کانت و ملاصدرا
۱۱۱ ۳-۵ ملاک حقیقی بودن محمول از دیدگاه کانت
۱۱۲ ۴-۵ نظر فلسفه اسلامی در زمینه وجود و ماهیت
۱۱۳ ۵-۵ ماهیت قضایای وجودی
۱۱۵ ۶-۵ آیا محمول در قضایای بسیطه صرفاً ثبوت شی را بیان می کند
	فصل ششم : نتیجه گیری
۱۱۸ ۱-۶ نتیجه گیری
۱۲۱ ۲-۶ پیشنهادات
۱۲۲ چکیده انگلیسی
۱۲۳ منابع و مأخذ

چکیده

وجود شناسی^۱ از عمیق ترین مباحث در حوزه ی مابعدالطبیعه است و اساساً " وجود بماهو وجود " موضوع این علم محسوب می شود. این بحث که از آغاز عصر تفکر فلسفی از مهم ترین مباحث فلسفی شناخته می شد، در دوره جدید در حوزه فکری غرب مورد بی توجهی فیلسوفان قرار گرفت و شاید بتوان گفت در دوره هایی به فراموشی سپرده شد، در قرن هفدهم بدنبال بحث برهان وجودی دکارت، فیلسوف بزرگ آلمان ایمانوئل کانت در پی نقادی برهان های عقلی، استدلالی هم بر رد برهان وجودشناسی می آورد. در دوره های بعد از او برخی از نطه های جدید فلسفی در غرب مباحثی تحت این عنوان را مطرح می کنند. اما در قلمرو فلسفه اسلامی نه تنها بحث وجودشناسی در سیر تاریخ هرگز اصالت خود را از دست نداده، بلکه هر دوره نسبت به دوره قبل پخته تر شده است.

یکی از مشخصات فلسفه اسلامی بحث وجودشناسی است که با ابن سینا طرح ریزی شده و با آغاز تفکر حکمت متعالیه در فلسفه ی ملاصدرا با بحث اصالت وجود به اوج خود رسید. در این سیستم، حقیقت هستی به گونه ای تفسیر شده که این حقیقت در عین وحدت دارای کثرت می باشد. همچنان که پدیده ای طبیعی افزایش و تکامل طبیعی می یابد بدون این که هویت عینی خود را از دست بدهد، حقیقت هستی نیز یک واحد عینی و شخصی است که می تواند در تمام مراحل متفاوت خود گسترش یابد و از کثرات شدت و ضعف بهره مند باشد. بدون این که این کثرات هر چند که نامتناهی باشند، به یگانگی و هویت شخصی و عینی آن آسیبی وارد سازند.

در این پژوهش میان نظرات دو فیلسوف بزرگ از حوزه ی غرب و شرق در زمینه وجود بررسی تطبیقی شده است و سعی شده تا بعد از معرفی و شناسایی مختصر اندیشه های هر دو فیلسوف، تطبیقی اجمالی در این رابطه صورت پذیرد.

Ontology-¹

مقدمه

۱- فلسفه اسلامی با گذشت زمان و ظهور تحولات فکری در حوزه های مختلف همواره در مبانی کلی خود از هماهنگی و انسجام برخوردار بوده و در پرتو کتاب آسمانی اش "قرآن" از ژرف اندیشی و دقت نظر بی همتایی برخوردار می باشد .

بحث هستی شناسی در فلسفه اسلامی با ابن سینا شروع شد و توسط ملاصدرا با طرح مسئله اصالت وجود که مبنی بر حقیقت هستی بر اساس وحدت در عین کثرت بوده ، ادامه یافت .

۲- با بیانی دیگر اصالت وجود ، ناظر به حقیقت وجود است ، وقتی بر اساس نظر ملاصدرا می گوئیم "وجود" مقصود تنها يك مفهوم و یا تصور ذهنی نیست ، بلکه حقیقتی عینی است که از آن به حقیقت عینی و واحد تعبیر شده است . بر همین اساس ملاصدرا محور مباحث فلسفی خود را حقیقت واحد وجود قرار می دهد ، مباحث مربوط به تمایز خدا و جهان و یا تمایز محسوس و نامحسوس را بر اساس مباحث فلسفی محض تبیین می کند .

ملاصدرا در بحث از اصالت وجود به ارائه ی دلایلی در این رابطه پرداخته است که با این ادله ثابت می کند که آنچه اصالت دارد وجود است و ماهیت به تبع وجود هستی می یابد . بدنبال آن بحث تشکیک را مطرح کرده و حقیقت وجود را حقیقت واحد مشکک ذو مراتب می داند . کسی که به درک درست معنی اصالت وجود برسد به کیفیت شمول و بساطت وجود نیز خواهد رسید . در تفکر فلسفی ، مسئله وجود از مهمترین مسائل به شمار می رود .

۳- بحث هستی شناسی در حوزه فکری غرب هم مطرح بوده است . بر اساس آنچه در کتب فلسفی آمده " آنسلم " اولین کسی است که در قرن یازدهم میلادی بحث برهان وجودی را مطرح کرده و پس از او فیلسوفان دیگری چون دکارت و لایب نیتز به آن پرداخته اند . در قرن هجدهم کانت فیلسوف بزرگ آلمانی ، بر براهین اثبات خدا از جمله بر برهان وجودی انتقاداتی وارد کرده است . .

نقدهایی که از ناحیه کانت وارد شده اشاره دارد به این که ، وجود نمی تواند يك محمول حقیقی برای موضوع خود باشد ، چرا که نمی تواند چیزی به موضوع خود بیفزاید . از نظر کانت وجود (منطقی) تنها رابط قضیه است و رابط قضیه هم چیزی که مصداق حقیقی داشته باشد به ما نشان نمی دهد .

۴- ملاصدرا ، وجود را به عنوان مفهومی مستقل و قابل حمل می پذیرد . در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا بررسی تطبیقی بر برهان وجودشناسی از نظر این دو فیلسوف نامدار داشته باشیم . بر این اساس تلاش شده تا بعد از شناسایی و معرفی مختصر اندیشه های فلسفی این دو فیلسوف ، تطبیقی اجمالی در این رابطه انجام دهیم و نقاط مشترك و موارد اختلافی آنها را بیابیم .

۵- هر چند که حکما و فلاسفه در موضوع هستی شناسی در کتب مختلف بیان گردیده است ولی تطبیق بین نظرات مختلف فلاسفه در این موضوع یا صورت نگرفته و یا بطور ناقص صورت گرفته است . علیرغم آنکه نگارنده در این زمینه به منابع مختلف رجوع کرده ولی در بررسی

پایان نامه های موجود مشابهی برای آن نیافته ، لذا بر اساس منابع قابل دسترسی به بررسی موضوع پرداخته است .
بدین جهت است که هیچگاه معتقد نیست که مطالب بیان شده و مقایسه و تطبیق صورت گرفته ، خالی از نقصان و کاستی نیست . این رساله می تواند به عنوان اشاره ای به یکی از چندین موضوع فلسفه اسلامی و مقایسه آن با سایر مکاتب تلقی شود و زمینه ای باشد برای محققان و دانش پژوهان که قصد غور و تحقیق در این گونه ابواب را دارند .

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله

تطبیق برهان وجودی در نظرات کانت و ملاصدرا درباره ی اثبات وجود خدا

۱-۲- هدف های تحقیق

بطور کلی می توان اهداف این تحقیق را به شرح زیر توصیف نمود :

الف) بحث در رابطه با یکی از فراگیرترین دانش های بشری است ، از آنجا که بحث از وجود از مهم ترین مباحث فلسفی می باشد سعی می شود دیدگاه های دو فیلسوف بزرگ (کانت و ملاصدرا) در این رابطه مطرح شود .

ب) بدنبال مطرح شدن دیدگاه های آنان ، نقاط مشترك و اختلاف آنان در حد توان مورد بررسی قرار می گیرد .

۱-۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه ی انتخاب آن

موضوع و عنوان این تحقیق عبارت از " تطبیق برهان وجودی در نظرات کانت و ملاصدرا ". این مقایسه بر محور نقادی برهان هستی شناسی (argument ontologique) در کانت و همچنین برهان وجودی ملاصدرا صورت گرفته است .

در مورد اهمیت این موضوع می توان گفت : اثبات برهان وجودی از جمله براهین عقلی است که توسط فلاسفه اسلامی و فلاسفه غرب مطرح شده است . هر يك از این فلاسفه در این باره حرفهائی داشته اند ، شاید بتوان گفت بحث از آنسلم در قرن یازدهم آغاز شده و توسط فیلسوفان دیگری چون دکارت و لایب نیتز نیز دنبال شده است . در میان فلاسفه اسلامی ، هم توسط ابن سینا طرح و با بحث اصالت وجود در ملاصدرا کامل شده است .

همین بحث مورد نقادی کانت قرار گرفته ؛ و می معتقد است وجود بطور کلی اقسام ندارد فقط يك وجود داریم که آنها هم وجود رابط است .

جهت اثبات وجود خدا علاقمند شدم تا ضمن بررسی نقد کانت ، دیدگاه و برهان ملاصدرا را مورد بررسی قرار دهم ، شاید بتوانم نقاط مشترکی در این رابطه بیابم .

۱-۴- سئوالات و فرضیه های تحقیق

از آنجا که هر قضیه ی وجودی ، قضیه ای ترکیبی است چگونه ممکن است بگوئیم که محمول وجود نمی تواند بدون تناقض آشکار شود ؟ (انکار وجود به عنوان محمول به تناقض نمی انجامد) وجود می تواند محمول قضیه ای باشد یا خیر ؟

آیا می توان به يك وجود نامشروط و مطلقاً واجب رسید ؟
با مطالعه دقیق دیدگاه کانت و ملاصدرا می توان گفت که نقاط مشترك و موارد اختلافی میان دیدگاه های این دو فیلسوف در زمینه برهان وجودی مطرح است .
از طرفی از منظر ملاصدرا وجود عینی و خارجی است در صورتی که کانت معتقد است ما وجود خارجی نداریم بلکه وجود امری است ذهنی .

۱-۵-مدل تحقیق

تحقیق به صورت کتابخانه ای می باشد .

۱-۶-واژه های کلیدی

وجود و احکام آن ، اصالت وجود ، وجود ذهنی ، وحدت تشکیکی ، وجود مستقل و وجود رابط ، تقسیم بندی احکام (احکام ترکیبی و احکام تحلیلی) ، بحث مقولات ، پدیدار و ذات ناشناختی آنالیتیک اصل ها

۱-۷-روش تحقیق

روش کلی تحقیق ، روش کتابخانه ای و بر اساس رجوع به کتب و منابع و فیش برداری و یادداشت ها و جمع بندی و نگارش و تحقیق می باشد .

۱-۸-قلمرو تحقیق

تحقیق پیرامون برهان وجودی است که در رابطه با اثبات خداست ، در این رابطه نظر کانت مورد تحقیق قرار می گیرد و سپس برهان وجودی ملاصدرا که از طریق اصالت وجود است بیان می شود و چون کانت معتقد است که وجود نمی تواند محمول قضیه ای باشد و یا اینکه نمی توان به يك وجود مطلقاً واجب اندیشید ، نظر ملاصدرا در این رابطه مورد بررسی قرار می گیرد .

۱-۹-جامعه و حجم نمونه

در این تحقیق به کلیه آثار کانت ، ملاصدرا و شارحان بزرگ آنها استناد شده است .

۱-۱۰-محدودیت ها و مشکلات

در رابطه با پیدا کردن منابع اصلی قدری مشکل وجود داشت ولی سرانجام دست یافتن به منابع عربی از طریق نرم افزار میسر شد .

فصل دوم

تاریخچه برهان هستی شناسی

۱-۲ مروري کوتاه بر تاريخچه ي برهان هستي شناسي

برهان وجودي در قرن يازدهم ميلادي توسط سنت آنسلم بيان شد و از آن پس در تاريخ فلسفه ي غرب، مورد نقض و ابرام هاي فراواني قرار گرفت. اين برهان بر مفهوم تصوري که از خداوند در ذهن انسان وجود دارد، استوار است. بر اساس اين برهان وجودي وجود دارد که بذاته چندان واجب است که وجود آن در ذهن ما نمي تواند وجود نداشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹-ژیلسون، ۱۳۶۶، ص ۸۶))

"قدیس آنسلم" در سال ۱۰۳۳ م. در آووستا واقع در ایتالیا متولد شد. وي يکي از حکما و فلاسفه مهم و موثر اسکولاستيکي و نیز يکي از متکلمان برجسته مسيحي در قرن يازدهم ميلادي بود. از دیدگاه قدیس آنسلم ایمان به خدا و مقدسات الهي و تعبد و پرسش خداوند یگانه بر تعقل در امور دینی و تفکر در اشیاء تقدم دارد، به این معنا که نخست باید به حقایق دینی و امور الهي ایمان قلبی آورد، آن گاه درباره ي آنها تعقل و اندیشه کرد، به عبارت دیگر تعبد بر تعقل مقدم و تعقل متأخر از تعبد مي باشد. (فروغی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۱۲)

«آنسلم به دلیل اینکه نزد کاتولیک ها از اولیای دین بود ملقب به «پاک» گردیده است و نیز به دلیل قرابت مشرب فلسفی اش با دیدگاه قدیس آگوستین به «آگوستین دوم» ملقب شده است. در سال ۱۰۶۳ م. راهب اعظم دیربک شد و در سال ۱۰۹۳ م. اسقف اعظم کانتربروري گردید و سرانجام در سال ۱۱۰۹ م دار فانی را وداع گفت.» (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۰۳)

آنسلم درباره برهان هستي شناسي دو قیاس مطرح مي کند. در قیاس اول صرفاً به اثبات وجود خدا مي پردازد و در قیاس دوم علاوه بر اثبات وجود خدا، وجود و وحدت او را نیز اثبات مي کند.

آنسلم خدا را به عنوان چیزی که بزرگتر از آن را نمي توان تصور کرد تعریف مي کند. ولي سؤالی که مطرح مي شود این است که منظور او از «بزرگتر» چیست؟ آیا مراد از لحاظ کیفی و کمی است و یا مراد وي از این قید، کاملتر بودن است؟

«مسلماً مراد آنسلم از قید «بزرگتر» بزرگ از لحاظ مادي نیست زیرا خدا مجرد از ماده و لواحق آن است پس وصف کاملتر مراد او مي باشد.» (خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۸۴، ص ۴۳)

بر اساس این تفسیر خداوند چیزی است که کاملتر از آن را نمي توان تصور کرد.

به هر حال قیاس اول برهان هستي شناسي آنسلم بدین شرح است:

"مقدمه اول: خدا موجودي است که کاملتر از آن را نمي توان تصور کرد
مقدمه دوم: موجودي که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد باید نه تنها در ذهن بلکه در خارج از ذهن نیز موجود باشد.

نتیجه: پس خداوند موجودی است که نه تنها در ذهن بلکه در خارج از ذهن نیز موجود است.» (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۱۰) - حسین زاده، ۱۳۷۶، ۲۴۰-۲۴۱ و ژیلسون، ۱۳۶۶، ۸۸) آنسلم در قیاس اول از برهان هستی‌شناسی صرفاً وجود خدا را اثبات می‌کند و توان اثبات صفات خداوند را ندارد ولی در قیاس دیگری از برهان هستی‌شناسی که ارائه می‌دهد هم توان اثبات وجود برای ذات خدا را دارد و هم قدرت اثبات صفات برای ذات او را. قیاس دوم هستی‌شناسی به شرح ذیل است:

خدا به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد» علاوه بر ذهنیت باید عینیت نیز داشته باشد وگرنه مستلزم خلف خواهد بود، زیرا چیزهایی را که وجود امکانی دارند می‌توان تصور کرد که صرفاً دارای وجود ذهنی هستند اما چیزی را که وجود واجب و ضروری دارد را نمی‌توان تصور کرد، که صرفاً وجود ذهنی داشته باشد زیرا آن چه را که نتوان تصور کرد که وجود نداشته باشد بزرگتر از چیزی است که می‌توان تصور کرد وجود نداشته باشد و آن چه را که نتوان تصور کرد که وجود نداشته باشد باید عیناً و ذهناً وجود داشته باشد.» (پل ادواردز، ۱۳۸۴، ۴۴)

بعلاوه اگر چیزی را که نتوان بزرگتر از آن را تصور کرد در عالم خارج از ذهن عینیت و تحقق نداشته باشد باید بتوان چیزی بزرگتر از آن را تصور کرد، در حالی که خدا بنابر تعریف چیزی است که بزرگتر از آن را نتوان تصور کرد. خلاصه این که «آنسلم معتقد بود که هر کس که بفهمد منظور از الفاظ خدا یا موجود متعال چیست، در خواهد یافت که چنین وجودی باید موجود باشد.» (کاپلستون، ۱۳۸۷، ۲۱۰)

از آنجا که وجود داشتن هم به عنوان یک تصور و هم به عنوان یک شی واقعی بزرگتر است از وجود داشتن صرفاً به عنوان یک تصور، خدا باید هم در واقع و هم به عنوان یک تصور وجود داشته باشد. بر حسب تعریف، خدا آن است که بزرگتر از آن نتوان تصور کرد. بنابراین خدا باید در واقعیت وجود داشته باشد وگرنه چیزی بزرگتر از خدا می‌توان تصور کرد (یعنی موجودی که علاوه بر همه صفات خدا هستی واقعی نیز داشته باشد) و این، به واسطه همان تعریف خدا یا موجود اعلی و کامل، غیرممکن است.» (ریچارد و استرول، ۱۳۷۴، ۲۳۸) شاید ارزشمندترین ویژگی برهان آنسلم، ارائه‌ی مفهوم مسیحی خدا باشد. از نظر وی خدا موجودی است که کاملتر از او را حتی نمی‌توان تصور کرد.

این نظرگاه، تکامل‌نهایی مفهوم توحیدی را عرضه می‌دارد. خدا رساترین موضوع قابل تصور پرستش است. امکان ندارد که موجودی برتر از او باشد، که خدا نسبت به او کمتر و فروتر یا تابع و دست‌نشانده باشد، و بدین سان آن موجود، مخاطب و پذیرای سزاوارتری برای عشق و احترام انسان باشد بدین سان حد اعلای متافیزیکی و حد اعلای اخلاقی باهم یکی هستند.» (پل ادواردز، ۱۳۸۴، ۴۵)

بهرحال اعتباری که باید برای آنسلم قائل شد به این خاطر است که هسته‌ی اصلی برهان وجودی در رابطه با مفهوم خدا را برای نخستین بار بیان کرده است.

۲-۲ اشکالات وارده شده بر برهان آنسلم

بر برهان وجودی آنسلم انتقادهایی وارد شده است. از جمله منتقدین این برهان گونیلون و توماس آکوئینی می باشند. گونیلون از معاصرین آنسلم بوده است. دو انتقاد بر برهان آنسلم مطرح می کند که هر دو را آنسلم پاسخ می دهد.

۲-۳ اشکال گونیلون بر برهان هستی شناسی

اولین اشکال گونیلون آن است که در برهان مزبور از تصور مفهوم شی - که امری ذهنی است به وجود شی - که امری عینی است - استدلال شده است. در صورتی که مفهوم هیچ چیزی ضامن عینیت آن در خارج نیست و اینکه آنسلم می گوید: «کاملترین موجودی که کاملتر از آن قابل تصور نیست» که در ذهن است دلیل بر وجود تحقق عینی وجود آن نیست.

اشکال دوم گونیلون آن است که اگر «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» در عالم خارج متحقق شود پس باید کاملترین جزیره بود و جزایر ناقصی که در خارج موجود هستند؛ از این کامل تر نخواهند بود. پس مطابق با این برهان، کاملترین جزیره نیز باید موجود باشد، حال آنکه چنین جزیره ای در عالم وجود نداشته و جزیره های موجود دارای کاملترین تصور نیستند (محمدرضایی، ۱۳۷۰، ۳۸).

بر اساس اشکال اول صرف داشتن تصویری در ذهن لازم نمی آید که آن تصور واجد مصداقی در عالم اعیان باشد، زیرا این تصور ذهنی نیست که عینیت ما به ازای خود را در عالم خارج از ذهن ما تضمین می کند، بلکه بر عکس این حقیقت خارجی است که مفهوم خویش را در عالم اذهان تضمین می کند.

بر اساس اشکال دوم صرف تصور کاملترین چیز مستلزم عینیت آن نمی شود وگرنه به محض تصور کاملترین شی خیالی و افسانه ای باید آن شی در جایی از عالم اعیان تحقق و تحصیل داشته باشد و اگر متحقق نباشد تناقض لازم می آید.

پاسخ آنسلم به اشکالات گونیلون این است که تصور ذهنی در هر مورد مستلزم عینیت آن نیست، تنها در يك مورد تصور ذهنی مستلزم عینیت ما به ازای آن در عالم خارج است و آن صرفاً مفهوم خداست به عنوان «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست». زیرا وجود خدا ضروری و واجب است، اما وجود سایر موجودات ممکن می باشد، از این رو اشکال جزیره ی خیالی بر برهان هستی شناسی وارد نیست.

دلیل مطلب این است که تصور کاملترین جزیره، ممکن الوجود است، اما کامل ترین چیزی که نتوان کامل تر از آن را تصور کرد واجب الوجود است، از این رو انکار تحقق واجب الوجود مستلزم تناقض است بدون این که انکار تحصیل کاملترین جزیره تناقض باشد. بنابراین صرف تصور کاملترین جزیره مستلزم عینیت آن نخواهد بود، در حالی که از تصور کاملترین چیزی

که نتوان کاملتر از آن را تصور کرد عینیت و تحقق خارجی آن استنتاج می‌گردد. (حسین زاده ، ۱۳۷۶ ، ۲۴۳ - پل ادواردز ، ۱۳۸۴ ، ۴۳-۴۵)

به عبارت دیگر در مفهوم خدا ، یعنی کامل ترین مفهوم متصور ، جمیع کمالات و از جمله تصور هستی و ضرورت آن حضور دارد حال آنکه کامل ترین جزیره يك امر حادث و ممکن است و بدون هیچ گونه تناقضی می‌توان عدم آن را تصور کرد. (جوادی آملی ، ۱۳۸۸ ، ۲۰۱)

۲-۴ اشکال توماس آکوئینی بر برهان هستی شناختی

اشکال اول این است که این برهان در صورت صحت آن وجود خدا را ثابت نمی‌کند بلکه صفتی از اوصاف خدا را بیان می‌کند. وقتی در مقدمه اول گفته می‌شود «چیزی که بزرگتر از آن قابل تصور نیست» «بزرگتر» در واقع صفتی است از اوصاف خدا - بنابراین ادعای آنسلم درباره اثبات وجود خدا - از طریق برهان هستی شناسی مردود می‌باشد.

دومین اشکالی که آکوئینی وارد می‌کند بر این برهان این است که: روال منطقی بحث در الهیات این است که ابتدا باید ذات خدا اثبات شود سپس اوصاف آن. چرا که اوصاف شی تابع شی است و تابع باید بعد از متبوع اثبات گردد.

« پاسخ به اشکال توماس آکوئینی این است که گرچه نظم و ترتیب منطقی بحث در الهیات ایجاب می‌کند که صفات خدا پس از اثبات وجود او مورد بررسی و اثبات قرار گیرد. اما هیچ مانعی ندارد که با يك برهان هم وجود ذات خدا اثبات شود و هم صفات او ، مانند تقریر ملاصدرا از برهان صدیقین که هم ذات خدا و هم صفات او را به اثبات می‌رساند و علاوه بر آن اگر صفت «کاملترین موجود» و یا «بزرگترین موجود» در عالم خارج مابیه ازایی داشته باشد نقد توماس آکوئینی هیچ خدشه‌ای در برهان هستی شناختی ایجاد نخواهد کرد. » (حسین زاده ، ۱۳۷۶ ، ۳۴۵- ریچارد و استرول ، ۱۳۷۴ ، ۲۴۰-۲۴۱)

۲-۵ تقریر دکارت از برهان هستی شناسی

از دیدگاه دکارت مفاهیمی که بتوان با وضوح و تمایز ادراک کرد مفاهیمی هستند که دارای ماهیت ثابتی اند ، که هرگز از آنها جداشدنی نیستند ، و وقتی ذهن من مفاهیم و ماهیت برخی از اشیاء را به وضوح و تمایز ادراک کند به این معنی است که آن مفاهیم فطری هستند. دکارت مفاهیم هندسی را جزء و نمونه‌ای از مفاهیم فطری می‌داند. به عنوان نمونه مثلث دارای ماهیت و خواص ثابتی است که می‌توان آن را به وضوح و تمایز تمام ادراک کرد.

بر اساس قاعده وضوح و تمایز هر خاصیتی که با وضوح و تمایز از مفهوم ادراک شود باید به آن مفهوم تعلق داشته باشد. مفاهیم فطری مفاهیم عارضی نیستند بلکه مفاهیمی هستند که دارای ماهیت و خواص ثابت می‌باشند که این خواص هرگز از آنها قابل انفکاک نیستند. دکارت بعد از بررسی مفهوم مثلث و نتیجه‌هایی که از بررسی و تحقیقات خود می‌گیرد به اقامه ی برهان هستی شناسی برای اثبات وجود خدا می‌پردازد.